فرآیند فعلی انتخاب کابینه می‌تواند چه آسیب‌هایی برای مسعود پزشکیان داشته باشد

از تصویر رئیس جمهور صیانت کنید

علی مزروعی
خبرنگار گروه نقد روز

بعد از انتخاب مسعود پزشکیان به‌عنوان نهمین رئیس جمهور ایران، برای تعیین اعضای کابینه یک شورای ۱۶ نفره تحت عنوان شورای راهبری انتقال دولت چهاردهم به ریاست محمدجواد ظریف تشکیل شد. مطابق آنچه ظریف اعلام کرده، ذیل این شورا پنج کارگروه اقتصادی، زیربنایی، فرهنگی، اجتماعی و (سیاسی، دفاعی و امنیتی) فعال شده و بیش از ۴۵۰ نفر نیز عضو این کارگروه‌ها هستند. قرار است پیشنهادهای این کارگروه‌ها برای انتخاب اعضای کابینه دولت چهاردهم نهایتا به تایید شورای رهبری رسیده و برای انتخاب به پزشکیان ارائه شوند. مهم‌ترین نقد به این ساختار را می‌توان جای خالی رئیس جمهور در تعیین سازوکارهای شورا و سپردن عنان تصمیم‌گیری اولیه به اشخاص دیگر دانست. این شیوه معرفی کاندیداهای تصدی کرسی‌های کابینه دولت چهاردهم با انتقادات زیادی به‌ویژه از جانب چهره‌های اصلاح‌طلب به‌عنوان بدنه حامی پزشکیان مواجه بوده و مواضع آنها نشان می‌دهد که فرآیند تعیین‌شده حتی در بدنه حامیان نیز با چالش مقبولیت مواجه است.

فرآیند تعیین کابینه چهاردهم از کجا شروع شد

تاکید مسعود پزشکیان بر استفاده از ظرفیت کارشناسان در مناظرات انتخاباتی اکنون این توقع را از او به وجود آورده که در تعیین کابینه خود نیز افرادی را انتخاب کند که بتواند از وجهه کارشناسی آنها در افکار عمومی دفاع کند. در راستای تحقق چنین هدفی محمدجواد ظریف از جانب پزشکیان به‌عنوان رئیس شورای انتقالی دولت چهاردهم منصوب شده است. تاکنون اما عملکرد این شورا حتی توسط بدنه اصلاح‌طلبان که حامیان اصلی مسعود پزشکیان محسوب می‌شوند نیز مورد انتقاد قرار گرفته است. چهره‌های مختلفی از اصلاح‌طلبان تاکنون نسبت به رفتارهای سهم‌خواهانه گروه‌های سیاسی دارای نماینده در کمیته‌ها معترض شده‌اند ازجمله آنها می‌توان به بهزاد نبوی اشاره کرد. رئیس سابق جبهه اصلاحات و از چهره‌های باسابقه اصلاح‌طلبان برخی حمایت‌ها از این شعار انتخاباتی را سهم‌خواهی قلمداد کرده و آن را این‌گونه توصیف می‌کند: «به نظر می‌رسد شعار «برای ایران» قبل از انتخابات، به شعار «برای وزارت» تبدیل شده. از همه اعضای کمیته‌ها عاجزانه استدعا دارم، به خاطر ایران و به خاطر دکتر پزشکیان بینوا، دست از سهم‌خواهی از این گوشت قربانی بردارند.» نبوی در ادامه پیشنهاد داده است: «رئیس و همه اعضای کمیته‌ها، از داشتن پست و مقام منع شوند تا بتوانند کمی هم به فکر ایران و آینده آن باشند.» سهیلا جلودارزاده، نماینده ادوار مجلس هم به این موضوع این‌گونه واکنش نشان داده است: «اگر حزبی برخورد کنیم ما هم دست‌کمی از دولت‌های سایه و آفتاب و روشنایی نداریم. بهتر است که همه به انتخاب اصلح پزشکیان کمک کنند. ایشان خودشان فرد توانایی هستند.» در پی این واکنش‌ها محمدجواد ظریف با حضور در گفت‌وگوی ویژه خبری اعلام کرد برای جلوگیری از تعارض منافع اگر عضوی از کمیته‌ها از جانب یکی از گروه‌های سیاسی به‌عنوان کاندیدا سمتی در کابینه معرفی شود بلافاصله از کابینه خارج شده و جایش را به فردی هم‌تراز با خود می‌دهد.

انتقادهای اساسی به ساختار شورای راهبری انتقال دولت

ایرادها به فرآیند تعیین‌شده برای انتخاب کابینه صرفا به عملکرد آن محدود نمانده و اساس و شاکله آن نیز مورد ایراد قرار گرفته است. حسام‌الدین آشنا، مشاور حسن روحانی در دولت یازدهم در توییتی ساختار شوراها و کمیته‌های تشکیل‌شده را این‌گونه مورد انتقاد قرار می‌دهد: «رئیس جمهور اسلامی موظف نیست به هیچ فهرست پیشنهادی از هیچ شورا و کمیته‌ای ملتزم شود. او در برابر ملت، مجلس و رهبری مسئول است نه در برابر روال‌ها و ساختارهای شرکتی.» امیر ناظمی، پژوهشگر حوزه سیاستگذاری در بخشی از متن انتقادی مفصل خود به ساختار تعیین‌شده می‌نویسد: «در چارت معرفی‌شده توسط ظریف نه فناوری و نه محیط زیست مستقل نگاه نشده‌اند. در حقیقت همین تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که دولتمردان ایرانی هنوز ویژگی‌های دوران امروز را در تحلیل خود وارد نکرده‌اند. به‌واسطه همین نگاه است که «علم، فناوری و نوآوری»، تکه‌تکه می‌شود. بخشی از آن اقتصادی، بخشی از آن فرهنگی و بخشی دیگر گم می‌شود (معاونت علمی).

بازی با برگ اقلیت‌ها

از آنجایی که تاکید بر حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی یکی از اصلی‌ترین بخش‌های ادبیات انتخاباتی مسعود پزشکیان بوده است این نگرانی همواره مطرح بوده که دولت او برای پاسخ به وعده‌های انتخاباتی دچار قومیت‌زدگی شده و برخی از اعضای کابینه نیز متاثر از همین امر انتخاب شوند. اگرچه محمدجواد ظریف در گفت‌وگوی ویژگی خبری اعلام کرده که قومیت‌گرا بودن باعث رد شدن کاندیداهای حضور در کابینه خواهد بود اما اتفاقات چند روز اخیر باعث به وجود آمدن ابهاماتی در این‌باره شده است. پس از آنکه اعتراضاتی درمورد عدم عضویت چهره اهل سنت در شورای راهبری انتقالی از جانب چهره‌های مختلف شنیده شد به یکباره اخباری مبنی بر عضویت چند چهره به‌عنوان نمایندگان اهل سنت در این شورا شنیده شد. عبدالله رمضان‌زاده، سخنگوی دولت اصلاحات که نسبت به عدم عضویت هیچ فرد اهل سنتی در شورای راهبری معترض بود پس از این تصمیم از پزشکیان تشکر کرد. جلال جلالی‌زاده، نماینده پیشین سنندج در این‌باره اعلام کرد: «یک نفر کرد به شورای راهبردی دولت چهاردهم اضافه شد؛ قرار است امروز نیز یک نفر بلوچ اضافه شود.» مطابق فهرست منتشرشده توسط ظریف به نظر می‌رسد رئوف قادری، نماینده سابق شهر پاوه و معاون اقوام و مذاهب ستاد انتخاباتی «پرزیدنت مسعود» به‌عنوان نماینده جامعه اهل سنت به شورای راهبری تعیین کابینه افزوده شود. این اقدام باعث شده است ظریف اکنون در برابر این سوال قرار بگیرد که اگر قومیت‌گرایی مبنای تصمیم‌گیری نیست چرا برخی چهره‌ها صرفا با عنوان نمایندگان اقلیت در این شورا اضافه شده‌اند. چنانچه این انتخاب بر مبنای شایستگی فردی یا حتی در پاسخ به کمپین تبلیغاتی پزشکیان صورت گرفته این توقع از رئیس شورای راهبری انتقال دولت وجود داشت که این اعضا را با تمرکز بر وجهه تخصصی آنها به عضویت شورا درآورده و مانع از به وجود آمدن شائبه قومیت‌گرایی در تعیین کابینه شود.

این شائبه بر بخش دیگری از اظهارات ظریف در گفت‌وگوی ویژه خبری صحه گذاشته می‌شود. ظریف در اظهاراتی بحث‌برانگیز در این باره می‌گوید: «اگر [کاندیدای عضویت در کابینه] زن باشد ۱۰ امتیاز می‌گیرد و اگر مرد باشد هیچ امتیاز نمی‌گیرد. اگر از مذاهب و ادیان رسمی باشد امتیاز می‌گیرد و اگر مسلمان شیعه باشد امتیازی نمی‌گیرد.» این اظهارات که به نوعی شایسته‌سالاری را به چالش کشیده و در آن برای جنسیت و مذهب نسبت به شایستگی و تخصص‌گرایی امتیاز ویژه‌ای در نظر گرفته شده است با انتقادات زیادی در فضای مجازی مواجه شد. در نتیجه این انتقادات، ظریف طی مطلبی این اظهارات را این‌گونه توجیه کرد که: «تبعیض مثبت یک روش شناخته‌شده جهانی برای کاستن از نابرابری‌هاست و به معنی رها کردن ارزش‌های جامعه ایران نیست. دولت وحدت ملی نیز به معنی دولت ائتلافی نیست.» اگر گزاره مطرح‌شده توسط ظریف یعنی وجود تبعیض را بپذیریم شورای راهبری می‌بایست برای جبران تبعیض ظرفیت اقلیت‌های مذهبی و نیز بانوان را دقیق‌تر مورد ارزیابی قرار دهد تا اگر فرد توانمندی برای تصدی مسئولیت حضور داشت به کار گرفته شده و تبعیضی به وجود نیاید. اینکه برای جبران تبعیض امتیاز ویژه‌ای برای جنسیت و مذهب قائل شویم خود می‌تواند عامل تبعیض دیگری برای ذبح تخصص باشد.

ارائه تصویری شبه‌دموکراتیک از فرآیند تعیین کابینه

مطابق فهرست منتشرشده و بنا بر اظهارات محمدجواد ظریف بدنه اصلی شورای انتقال قدرت را اصلاح‌طلبان، اعضای ستاد و نمایندگان اقلیت‌ها تشکیل می‌دهند. از آنجایی که این سه گروه حلقه اصلی کمپین تبلیغاتی رئیس جمهور تلقی می‌شوند عضویت آنها باعث می‌شود تا بتوانند تصویری از همگونی کابینه انتخابی با بدنه اجتماعی پزشکیان بسازند. این تصویر بدنه اجتماعی را برای تداوم حمایت از رئیس جمهور در میدان‌های اجرایی و سیاسی آتی تا حد زیادی اقناع می‌کند. دومین فرصتی که شورای راهبری انتقال قدرت در اختیار پزشکیان قرار می‌دهد القای تصویری شبه‌دموکراتیک در تعیین کابینه است. از آنجایی که نبود احزاب تعیین کابینه را به امری غیرشفاف و در پرده لابی‌های سیاسی تبدیل کرده است تشکیل چنین شورایی حداقل در ظاهر می‌تواند وجهه‌ای شبه‌دموکراتیک از فرآیند تعیین کابینه نمایش دهد.

تهدیدهای شورای انتقالی برای تصویر رئیس جمهور

شورای انتقالی علاوه بر فرصت‌های سیاسی که برای رئیس جمهور به وجود می‌آورد می‌تواند از جنبه‌هایی نیز واجد تهدید تلقی شود که به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

۱ القای تصویر اداره شدن توسط دیگران

تاکید مداوم پزشکیان بر سپردن امور به متخصصان در ایام انتخابات نگرانی در مورد اداره شدن دولت او توسط دیگران را به یکی از پاشنه‌آشیل‌های کمپین تبلیغاتی‌اش تبدیل کرده بود. حتی پورمحمدی یکی از رقبای انتخاباتی او نیز در ایام انتخابات به این موضوع اشاره کرده و مدعی شد: «پزشکیان مربی خوبی نیست و او را اداره خواهند کرد.» با توجه به این نظرات اکنون عدم حضور مسعود پزشکیان در صدر فرآیند تعیین کابینه و سپردن تکلیف امور به ظریف می‌تواند چنین تصویری را نمود عملی ببخشد. این تصویر زمانی بیشتر تکمیل می‌شود که همزمان با حضور ظریف در صدر اخبار از رئیس جمهور منتخب صرفا تصاویری از حضور در هیات مذهبی و سوپرمارکت‌ها مخابره شود.

۲ القای امکان ۲ دولتی

اتخاذ تصمیمات اساسی توسط چهره‌های غیر از رئیس جمهور این نگاه را در افکار عمومی به وجود می‌آورد که آنها با یک دولت رسمی و یک دولت غیررسمی مواجهند. القای چنین تصویری باعث می‌شود که بدنه مدیران دولتی برای تصمیم‌گیری خود را با ۲ رویکرد سیاسی مواجه دانسته و بعضا در پیروی از ایده‌های رئیس جمهور دچار سردرگمی شوند.

۳ احتمال تشدید اختلاف در بدنه حامیان

اینکه به جای رئیس جمهور تصمیمات اصلی را افراد دیگری بگیرند باعث می‌شود بدنه حامیان رئیس جمهور با یکدیگر در تفسیر نظر رئیس جمهور دچار اختلاف شده و تصمیمات اتخاذشده را منتسب به رئیس جمهور ندانند. نمونه‌ای از این اختلاف را می‌توان در ادبیات انتقادی که در چند روز اخیر در مورد تصمیمات شورا در فضای رسانه‌ای بازتاب پیدا کرده است مشاهده کرد.

۴ تشدید اتهامات در مورد سهم‌خواهی

اگر گروه‌های حامی رئیس جمهور تصمیمات اتخاذشده در شورا را منتسب به پزشکیان ندانسته و درباره آن دچار اختلاف شوند در نتیجه از طرفی یکدیگر را متهم به سهم‌خواهی کرده و از سویی نیز ممکن است برای بروز نارضایتی، خود دچار سهم‌خواهی شوند. در چنین شرایطی حضور رئیس جمهور می‌توانند هم تعیین تکلیف امور را راحت‌تر کرده و هم از شدت اختلافات و سهم‌خواهی‌های احتمالی بکاهد.

۵ تثبیت گزاره بی‌برنامه بودن رئیس جمهور قبل از انتخابات

یکی از گزاره‌هایی که توسط رقبای انتخاباتی پزشکیان در تقابل با او مطرح می‌شد عدم ارائه برنامه توسط پزشکیان بود. این گزاره اکنون که به روزهای تنفیذ حکم نزدیک می‌شویم بیشتر تقویت می‌شود؛ چراکه هنوز فهرستی اولیه از کابینه رئیس جمهور منتشر نشده و در فرآیند تعیین‌شده از جانب کابینه نیز شخص رئیس جمهور ظهور فعالی نداشته است. آسیب نداشتن برنامه زمانی بهتر درک می‌شود که توجه کنیم تعیین کابینه مرحله اول شکل‌گیری دولت است و تعیین مدیران میانی نیز نیاز به زمان دارد، که اگر تعیین کابینه به تعویق بیفتد تعیین مدیران میانی نیز به تعویق می‌افتد. آمادگی پیشینی رئیس جمهور و ارائه فهرستی از اسامی احتمالی می‌توانست چنین تصویری را از بین برده و نشان‌دهنده آمادگی پزشکیان برای دولت‌داری باشد.

جای خالی احزاب بهتر درک شد

اقداماتی که اکنون توسط ظریف و شورای راهبری انجام می‌شود در نظام‌های سیاسی حزبی توسط احزاب و در مدت زمانی بلندمدت اجرایی می‌شود. فقدان نظام حزبی در ایران باعث شده است تا همواره روسای جمهور پس از انتخاب شدن در تعیین کابینه با چالش مواجه شده و نهایتا نیز ساختارهای شب انتخاباتی تعیین‌کننده باشند. ساختارهایی که عدم شفافیت، شعارزدگی و عدم مسئولیت‌پذیری در قبال افراد انتخاب‌شده ازجمله ایرادات آن است. مادامی که احزاب در ساختار سیاسی رسمیت نیافته و تحزب شکلی جدی به خود نگیرد تداوم وضعیت سیاسی موجود امری بدیهی تلقی می‌شود.

رمزگشایی از اظهارات علی باقری درباره برجام

مذاکره اختراع دولت روحانی نبود

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

رقابت‌های انتخاباتی تیرماه، پای حواشی مذاکره با غرب مخصوصا برجام را به مناظرات باز کرد. اگرچه در سه سال دولت سیزدهم هم مسیر مذاکره متوقف نشد، اما فضاسازی‌ها با این محور صورت گرفت که دولت سیزدهم نخواست یا نتوانست توافقات احیای برجام را به نتیجه برساند؛ امری که البته با نگاه واقع‌بینانه به عرصه سیاست خارجی، مناسبت چندانی ندارد. پیش از آغاز به کار دولت سیزدهم و بعد از روی کارآمدن دموکرات‌ها نزدیک به شش دوره مذاکرات برای احیای برجام میان طرف‌های مذاکره‌کننده صورت گرفت. دولت سیزدهم هم در طول این سه سال روی همان ریل حرکت کرد و برای بازگشت طرف آمریکایی به مذاکرات و بی‌اثرکردن تحریم‌ها، چراغ سبز نشان داد. «ایران میز مذاکره را ترک نکرده» جمله پرتکراری بود که در تمام این سه سال هم از جانب تیم سیاست خارجی دولت هم از جانب رئیس جمهور گفته می‌شد. ایران نیز همواره تاکید داشت که هدفش از مذاکرات، احیای توافق برجام است و چیزی فراتر از برجام را دنبال نخواهد کرد، با این حال بعد از صحبت‌های علی باقری در جلسه شورای امنیت در مورد برجام، برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب و چهره‌های نزدیک به دولت، اظهاراتی را مطرح کردند که گویی دولت در تمام این مدت، خلاف جهت توافق برجام حرکت کرده و حالا به یکباره مدافع برجام شده است اما روند سه‌ساله دولت شهید رئیسی نشان می‌دهد که این‌طور نیست. در ادامه مسیر دولت سیزدهم در مذاکرات احیای برجام و مسیری که دولت جدید می‌بایست در این حوزه طی کند، مورد بررسی قرار گرفته است.

اظهارات باقری در راستای مواضع دولت در برجام بود

باقری، سرپرست وزارت خارجه در جریان سفر اخیر خود به نیویورک برای شرکت در جلسه شورای امنیت، اشاراتی به توافق برجام و بدعهدی طرف مقابل داشت که واکنش‌هایی را به همراه داشت. باقری در نطق خود در جلسه شورای امنیت به این موضوع اشاره کرد که ایران «مشارکتی سازنده» برای «انعقاد برجام» داشته است که از مظاهر چندجانبه‌گرایی ایران بوده است. اما خروج آمریکا برخلاف توافق یکی از مظاهر «یک جانبه‌گرایی» در عرصه بین‌المللی بود که منجر به آسیب‌زدن به همه طرف‌های مذاکره‌کننده شد. پس از این باقری در مصاحبه‌ای که با سی‌ان‌ان داشت به توافق برجام اشاره کرد و گفت که «ما هنوز عضو برجام هستیم. هدفی که دنبال می‌کنیم، احیای توافق ۲۰۱۵ است و به دنبال توافق جدیدی نیستیم.» از آنجا که این سفر در آستانه تحویل دولت به رئیس جمهور منتخب صورت گرفته است، مورد توجه بیشتری قرار گرفت و دفاع باقری از برجام هم واکنش‌هایی از جانب برخی چهره‌ها و رسانه‌های اصلاح‌طلبی به همراه داشته است و در مواردی، برخی دولت را به پیش نبردن مذاکرات برجام متهم کردند. نکته مورد توجه این است که اظهارات باقری در راستای مسیر و ایده‌ای بوده است که دولت سیزدهم در این سه سال دنبال کرده است. دولت و تیم سیاست خارجی همواره از مذاکره برای احیای برجام استقبال کرده‌اند و با وجود نقدهایی که به این توافق وارد بوده اما تیم مذاکره‌کننده قبلی را متهم نکردند و به برجام به چشم توافقی نگاه کردند که باید برمبنای تعهد به آن پایبند بمانند. شهید امیرعبداللهیان در جریان نشست خبری که مرداد سال گذشته برگزار شد به این موضوع اشاره کرد که «بخش‌هایی از توافق (برجام)، نقطه مثبت مذاکرات و جمع‌بندی بوده است؛ در عین حال، همکاران من آن مقدار که می‌توانستند در میز مذاکره به دست بیاورند، تلاش کردند.» رئیس جمهور شهید نیز در جریان نشست خبری که در شهریور سال گذشته برگزار شد، به این موضوع اشاره کرد که تلاش دولت براین بوده تا مذاکرات برای «احقاق حقوق مردم» براساس قراردادی که منعقد شده، به نتیجه برسد و «تحریم‌ها برداشته شود.» امری که نشان می‌داد اظهارات سرپرست وزارت خارجه نیز در راستای مسیر دولت سیزدهم صورت گرفته است و موضع‌گیری عجیبی نبوده است. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که مسیر سیاست خارجی ایران تنها توسط دولت ریل‌گذاری نمی‌شود و نهادهای بالادستی در تعیین خط‌مشی سیاست خارجی کشور سهم مهمی دارند؛ امری که این نکته را مورد توجه قرار می‌دهد که مواضع باقری در جلسه شورای امنیت و در مصاحبه با سی‌ان‌ان موضع رسمی ایران بوده است و همواره طرف مقابل به بدعهدی در توافق برجام متهم بوده است.

چراغ سبز دولت سیزدهم برای احیای برجام

دولت سیزدهم از همان ابتدا اعلام کرده بود که همه تخم‌مرغ‌هایش را در سبد مذاکره با غرب نمی‌گذارد و برقراری روابط سازنده با همه کشورها مخصوصا همسایگان مورد توجه قرار دارد، اما همزمان مسیر مذاکره برای احیای برجام را نیز دنبال کرد. هفتمین دور مذاکرات با تیم سیاست خارجی دولت جدید دنبال شد. مذاکرات تا اسفند ماه ادامه پیدا کرد. پس از پایان مذاکرات، گروسی برای حل‌وفصل پرونده‌های حل‌نشده ایران راهی تهران شد و بیانیه مشترکی از جانب ایران و آژانس صادر شد و مقرر شد ایران توضیحات کتبی درخصوص سه مکان ادعایی آژانس را ارائه کند. اگرچه پرونده آژانس درمورد سه مکان ادعایی ارتباط مستقیمی به مذاکرات احیای برجام نداشت، اما تصور این بود که سفر گروسی می‌تواند مسیر مذاکرات را هموار کند. با این حال گروسی بعد از بازگشت از سفر تهران و برخلاف توافق، گزارشی علیه ایران صادر کرد که منجر به صدور قطع‌نامه شورای حکام علیه ایران شد. مذاکرات احیای برجام در آن برهه به نتیجه نرسید. پس از این در شهریور ماه ۱۴۰۱ ایران در آستانه یک توافق قرار گرفت و حتی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پیشنهادهای ایران را معقول خواند. تقریبا همه چیز برای به نتیجه رساندن یک توافق خوب آماده بود. شروع ناآرامی‌ها در ایران آمریکایی‌ها را دچار محاسبات غلط کرد و آنها میز مذاکره را با تصور تغییر شرایط در ایران ترک کردند و مذاکرات متوقف شد. بعد از گذر از ناآرامی‌ها اما آمریکایی‌ها طرف عمانی را برای از سرگیری مذاکرات واسط کردند. پس از این، پیام‌ها میان ایران و طرف آمریکایی رد و بدل می‌شد. در این راستا مذاکرات دوطرف منجر به گشایش‌هایی نیز شد. آزادی ۳۹۰ میلیون پوند پول بلوکه‌شده ایران در انگلیس، آزادی‌سازی ۶ میلیارد دلار پول ایران در کره‌جنوبی و آزادسازی برخی زندانیان دوتابعیتی توسط ایران در جریان این پیام‌ها صورت گرفت.

مواظب توقعات فرابرجامی باشید

ایران هیچ زمان، کوچک‌ترین فرصت برای به نتیجه رساندن مذاکرات احیای برجام را از دست نداده و برای پیشبرد مذاکرات برمبنای عزت و مصلحت پیش‌قدم بوده است، موضوعی که در تحلیل علت به نتیجه نرسیدن مذاکرات از جانب گروه‌های سیاسی داخل کشور، چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ زیاده‌خواهی‌های طرف آمریکایی است. آمریکایی‌ها همواره به دنبال برقراری توافقی «فرای برجام» بودند، رئیس جمهور سابق آمریکا تصور می‌کرد تعهدات ایران در برجام کافی نبوده و اوباما می‌توانست امتیازات بیشتری از ایران بگیرد. در همین راستا هم از برجام خارج شد، سیاست فشار حداکثری را درپیش گرفت تا ایران برای کم کردن این فشارها پای میز مذاکره بیایید و امتیازهای بیشتری بدهد، مسیری که البته دموکرات‌ها هم آن را دنبال کرده‌اند. سیاسی‌کاری‌های آژانس به کمک آمریکایی‌ها آمد تا فشارهای بین‌المللی علیه ایران را تشدید و آن را وادار به پذیرش تعهداتی بیش از برجام کنند، امری که البته با مقاومت ایران همراه شده و تیم مذاکره‌کننده به این امر تاکید داشت که تنها به برجام متعهد است. حالا در آستانه تشکیل دولت چهاردهم و برگزاری انتخابات در آمریکا، دولت جدید باید این گزاره مهم را مورد توجه قرار دهد که قرار نیست توافقی فرای برجام منعقد شود و ایران، امتیاز بیشتری از آن چیزی بدهد که طرف آمریکایی و اروپایی می‌خواهند.

حواس‌تان به سال دهم برجام باشد

در این مسیر، القای این گزاره که دولت سیزدهم نتوانست مذاکرات احیای برجام را به نتیجه برساند و این ناشی از ضعف دولت بوده است، چندان دقیق نیست و لازم است برای قضاوت در این رابطه، واقعیت‌های صحنه بین‌الملل دیده شود و باید توجه کرد مناسبات بین‌المللی پیچیده‌تر از آن است که با انداختن تقصیرها به گردن تیم مذاکره‌کننده ایرانی، معادلات حل شود. در نقطه مقابل فضایی ایجاد شده که قرار است با روی کار آمدن دولت جدید فضای مذاکره با آمریکا تحول قابل‌توجهی پیدا کند. امری که نشان می‌دهد واقعیت‌های صحنه بین‌الملل به درستی درک نشده؛ چراکه از یک سمت احتمال روی کار آمدن ترامپ در آمریکا چندان دور از انتظار نیست و در صورت تحقق این امر مسیر مذاکرات با دشواری‌هایی همراه خواهد بود، در سمت دیگر شرایطی است که در حال حاضر در منطقه وجود دارد، جنگی که الان در غزه ادامه دارد و افزایش جبهه‌های درگیر در این منطقه و نقش ایران در معادلات می‌تواند، مذاکرات با محوریت برجام را از دستور کار خارج کند، از طرفی ایران به سال دهم برجام نزدیک می‌شود که پس از آن برجام وارد مسیر دیگری می‌شود و مکانیسم ماشه از کار می‌افتد و طرف مقابل همه اهرم‌های فشار را علیه ایران به کار می‌گیرد و احتمال برقراری مذاکرات در اولین سال آغاز به کار دولت، کم خواهد بود. بر این اساس ایجاد توقع به نتیجه رسیدن مذاکرات در دولت چهاردهم در مقابل واقعیت‌های بین‌المللی می‌تواند نارضایتی متقابلی را در جامعه و در میان افکارعمومی ایجاد کند.

نمی‌شود همه تخم‌مرغ‌ها را در سبد غرب گذاشت

اشتباه قرار دادن همه تخم‌مرغ‌ها در سبد مذاکره با غرب، منجر به بروز خسارات قابل‌توجهی به اقتصاد ایران شد، تکیه دولت روحانی برای حل‌وفصل مشکلات کشور تنها از طریق مذاکره با غرب منجر شد، خروج آمریکا از برجام خسارات زیادی را به اقتصاد ایران وارد کند. درحالی‌که اگر در این مناسبات سهمی هم برای ارتباط دیگر کشورها و مخصوصا همسایگان در نظر گرفته می‌شد، حجم این خسارات بسیار کمتر بود. حالا در آستانه تشکیل دولت زمزمه‌هایی از مذاکره و تعامل با آمریکا به گوش می‌رسد که رنگ‌وبوی همان مسیر دولت‌های یازدهم و دوازدهم را دارد. دور زدن مسیر شرق‌گرایی یا برقراری ارتباط با کشورهای همسایه در مقابل برقراری ارتباط با غرب برای کاهش فشار تحریم‌ها، اشتباهی است که این روزها از جانب برخی افراد که مدافع تفکر دولت روحانی بودند، مطرح می‌شود. باید توجه داشت شرایط امروز منطقه و جهان دیگر شباهتی به روزهای امضای برجام ندارد و معادلات دچار تغییر شده و این امر اثبات شده که در شرایط فعلی برقراری ارتباط و با چین و روسیه می‌تواند دست برتر ایران در مذاکرات باشد. کمااینکه در این مدت در جلسات شورای امنیت حمایت چین و روسیه از ایران و مخالفت با قطعنامه‌های ضدایرانی، ایران را از منزوی شدن در صحنه بین‌المللی حفظ کرده است.

صحنه بین‌الملل جای رویابافی نیست

دولت چهاردهم و تیم سیاست خارجی می‌بایست در ابتدای امر به این نکته توجه داشته باشند که مناسبات بین‌المللی برمبنای ایده‌آل‌ها صورت نمی‌گیرد و در این مسیر تحلیل‌های ایده‌آلی و اتکا به آنها، خسارت زیادی را متوجه دولت و مردم می‌کند، آنچه موفقیت را در صحنه بین‌المللی رقم می‌زند، توجه به واقعیت‌های صحنه و پذیرش این نکته است که اساس مذاکرات و توافقات برمبنای نفع و سود دوطرف صورت می‌گیرد و هرچیز جز این برقراری و ادامه مذاکرات را بی‌معنا می‌کند. دولت باید این آمادگی را داشته باشد که امکان دارد، در سال ابتدایی دولت فرصتی برای مذاکره فراهم نشود، البته باید به این نکته مهم توجه داشت که در ادامه مسیر دولت‌های قبل ایران همچنان به دنبال احیای برجام است و چیزی فراتر از برجام در دستور کار نیست. جدای از این تاکید مجدد روی این گزاره که توافق با غرب حلال مشکلات است و ایستادن بیش از اندازه روی این موضوع می‌تواند طرف مقابل را در موضع برتر قرار دهد و آنها با آگاهی به اینکه ایران به دنبال برقراری توافق به هر قیمتی است، ایران را در موضع ضعف قرار دهند و امتیازات بیشتری از ایران بخواهند، در چنین شرایطی چه توافقی صورت بگیرد چه خیر، زیان‌ها برای تیم مذاکره‌کننده بیش از نفع‌ها خواهد بود.